سازمان دهی موسسات قرض الحسنه در راستای تحقق اهداف تامین مالی خرد

ابوالقاسم اثنی عشری[1]، سیدمحمدهادی سلطان العلمایی[2*]

[1] دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور.

[2] دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه پیام نور.

* نویسنده مسئول پست الکترونیکی smhso85@yahoo.com

چکیده

تامین مالی خرد در طی سال های اخیر به عنوان ابزاری در جهت توانمند سازی افراد کم درآمد و کمک به رشد مناطق کمتر توسعه یافته در دنیا به کار گرفته شده است. در ادبیات این مبحث، دو مساله مخاطرات اخلاقی و انتخاب های بد با استفاده از روش های متنوع و در اثر شناخت موسسات از شبکه تحت پوشش خود تا حدودی مرتفع گشته است. بر اساس تعالیم اسلامی استفاده ابزارهای تامین مالی اسلامی در جهت شکوفایی و ایجاد عدالت اقتصادی سفارش شده است. در این بین سنت قرض الحسنه قبل و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی از جایگاه ویژه ای در ایران برخوردار بوده است. لیکن سازماندهی نامناسب و نبود چارچوب استاندارد در صندوق های قرض الحسنه از یک سو و کندی سیستم بانکی از سوی دیگر باعث ایجاد مشکلاتی در مقوله تامین مالی خرد در ایران شده است. در این مقاله بر اساس یک مطالعه توصیفی استفاده از یک سازمان واسط میان نهاد ناظر پولی (بانک مرکزی) و شبکه صندوق های قرض الحسنه به منظور استاندارد سازی چارچوب فعالیت و ساماندهی خدمات بازار غیرمتشکل پولی در این بخش موثر پیشنهاد شده است. این امر موجب خواهد شد با رونق گرفتن تسهیلات خرد و هدایت پذیری موسسات قرض الحسنه، بهبود تعمیق مالی به عنوان هدف سیاستی تا حدی محقق خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: تامین مالی خرد، سازمان راس، تامین مالی خرد اسلامی، قرض الحسنه

4. مقدمه

تامین مالی خرد و اعتبارات خرد موضوعاتی هستند که هر از چندگاهی با ظهور مشکلاتی در یکی از اقصی نقاط ایران به عنوان یکی از معضلات نظام پولی کشور مطرح می‌شود. علی‌رغم تجربه‌های مختلف، با ظهور موسسات جدید و بدون نام و نشان در این عرصه، خیل عظیم متقاضیان چنین نهادهایی مبین آن است که بخش رسمی بازار پول نتوانسته است پاسخ متناسبی به این نیاز بازار ارایه نماید. قدمت صندوق های قرض‌الحسنه در ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تامین مالی خرد باعث شده تا صاحب‌نظران داخلی و مقامات اجرایی، سامان‌دهی و استفاده از حداکثر توان بالقوه این نهاد را برای پاسخ‌گویی به تامین مالی خرد در دستور کار قرار دهند. در این مقاله ضمن بررسی مفهوم تامین مالی خرد در ادبیات رایج به معرفی تامین مالی خرد اسلامی می‌پردازیم. سپس با بررسی جایگاه این موضوع و سیر تطورات قانونی صندوق های قرض الحسنه در ایران ضمن آسیب شناسی وضع موجود، الگوی پیشنهادی تشریح می‌شود. شایان ذکر است هدف از طرح مباحث موجود ارایه الگویی برای استفاده از شبکه کنونی است که در حال حاضر مشغول ارایه خدمات می‌باشد؛ اگرچه در این بین مشکلات و نواقصی هم وجود دارد.

5. تامین مالی خرد در ادبیات رایج اقتصادی

تامین مالی خرد در ادبیات رایج اقتصادی در طی دهه‌های اخیر به منظور تسریع در فرآیند سرمایه گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس انداز مناطق محروم و عمدتا روستایی مطرح شده است. توانمند سازی و فقر زدایی از جوامع محروم از طریق ارتقا بهره وری و با تاکید بر به کارگیری اعتبارات خرد هدف عمده این برنامه‌ها بوده است. راهبرد اعتبارات خرد در توسعه اقتصادی با هدف دسترسی اقشار کم درآمد به منابع اعتباری برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها است. بومن (1997) در کتاب خود اعتبارات خرد را چنین تعریف نموده است: "کوچک، کوتاه بدون وثیقه". به عبارت دیگر این اعتبارات به معنای وام‌هایی با مبلغ کم و بدون وثیقه است که به افراد کم درآمد پرداخت می‌شود و آن‌ها ملزم در مدت کوتاهی این مبالغ را بازپرداخت نمایند.(مافی، 1387: 16) اعتبارات خرد به عنوان یکی از

مباحث نیولیبرال، به عنوان محرک اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه که عمدتا با تورم و بیکاری فزآینده مواجه بوده و توزیع درآمد در آن‌ها چندان عادلانه نیست، مطرح شد. این امر پس از شکست‌های اقتصادی و ناکامی در کاهش فقر اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در دهه‌های 88 و 98 توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین الملل پول به صورت مشخص به عنوان برنامه محوری سیاست نیو لیبرال جهت کاهش فقر اتخاذ گردید. (همان منبع: 28)

با عنایت به این مهم در کشورهای در حال توسعه، دولت‌های ملی به منظور ایجاد وضعیت مناسب‌تر برای گروه‌های فقیر در چارچوب برنامه فقرزدایی به تدوین برنامه‌های تامین مالی خرد و ایجاد موسسات تامین مالی خرد اقدام نمودند. برنامه‌های تامین مالی خرد علاوه بر اعطای اعتبارات خرد شامل برنامه‌هایی جهت ایجاد، توسعه و رونق کسب و کار برای گروه هدف بود.[1] تجربه‌های موجود در زمینه تامین مالی خرد با فراز و فرودهایی مواجه بوده است و حتی تجربه‌های موفق نیز گاهی با مشکلاتی مواجه شده‌اند. از جمله تجربه‌های موفق می توان به تجربه گرامین بانک بنگلادش، موسسات تامین مالی غیردولتی مالزی و برنامه بهبود وضعیت کشاورزان خرد در نپال و به عنوان یک تجربه ناموفق می‌توان به عدم توفیق اعتبارات خرد در جامایکا اشاره کرد. (مهم‌ترین دلایل عدم توفیق این برنامه مربوط به نبود نظارت دقیق بر اعتبارات اعطایی، عدم توانایی برای اداره کسب و کار کوچک و عدم توفیق در شناسایی افراد و قدرت بازپرداخت آن‌ها نامبرده می‌شود.)

از مهم‌ترین عوامل ناکامی و شکست برنامه‌های تامین مالی خرد می‌توان به وابستگی به منابع دولتی، نرخ های بهره ترجیحی و کنترل شده، عدم توجه به جذب منبع مالی از مشتریان، تاکید صرف بر اعتبار و عدم توجه به جنبه‌های آموزشی برای استفاده مولد از این اعتبارات و عدم توجه به شرایط نهادی، اجتماعی و فرهنگی گروه هدف و شناخت ناقص از نیازهای این گروه اشاره کرد. در مقابل چارچوب الگوی تحلیلی که بتواند به سوالات زیر پاسخ مناسب بدهد می‌تواند در تحقق اهداف تامین مالی خرد و ایجاد خدمات پایدار به گروه هدف موفق باشد. این سوالات به شرح زیر است:

[1] بخشي از متون اعتبارات خرد، تامين مالي خرد و سرمايه گذاري خرد را به يک مفهوم به کار برده اند.

- وجه تمایز مالیه خرد نسبت به سایر سیاست‌های فقرزدایی و الزامات ناشی از آن چیست؟
- گروه هدف و نیازهای آن چیست؟
- نقش دولت و سیاست آن در موفقیت مالیه خرد چگونه است؟
- نحوه سازماندهی موسسات مالیه خرد و ویژگی‌های عملیات بانکی آن با قواعد متعارف بانکی متفاوت است. لذا شیوه‌های وام دهی این موسسات چگونه باید باشد؟

باتوجه به رابطه مستقیم پایداری و پوشش گروه هدف و حاشیه سود نهاد مالی، این موضوع (پایداری) باید به عنوان هدف اولیه موسسات مالی خرد باشد زیرا بر قدرت گسترش آن‌ها به ویژه در بلند مدت اثر خواهد داشت.

سه موضوع تقاضای خدمات مالی خرد، عرضه خدمات مالی خرد و تاثیر محیط کلان و سیاست‌های دولت از جمله مباحث عمده در این مورد است. بر اساس مطالعات انجام شده نیازهای اعتباری گروه هدف مالیه خرد به سه دسته چرخهٔ زندگی (تولد، ازدواج، مرگ و مخارج آموزش و ...) نیازهای اضطراری (بیکارشدن افراد، بلایای طبیعی و ...) و فرصت‌ها (سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای تجاری خرد و ...) طبقه بندی می‌شوند. (متوسلی و آقابابایی، 1387: 4)

از طرف دیگر پس انداز به عنوان تامین کننده عرضه خدمات مالی خرد و منعکس کننده رفتار اعتباری افراد از اهمیت دو چندانی برخوردار است (هم از دید متقاضی و هم از منظر موسسات اعتباری) و می‌تواند هزینه‌های غربال و نظارت بر مشتریان را کاهش دهد. تحقیقات متعددی در دنیا از جمله بانک جهانی در سال 2881 و مبارزه با فقر گزارش توسعه جهانی 2888-2881 نشان می‌دهد که افراد کم درآمد تمایل زیادی به پس انداز دارند و دارای ظرفیت قابل توجهی برای پس انداز کردن هستند. موسسات خرد با بهره گیری از مزایای پس اندازهای کوچک افراد کم درآمد و تبدیل آن به پس انداز رسمی قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای اعتباری این افراد و از طرفی جذب پس‌اندازهای مشتریان دیگر به منظور اعطای خدمات به آن‌ها هستند. بر طبق گزارش‌های آماری تنها موسساتی که سهم بالایی از دارایی‌های‌شان را پس‌اندازهای اختیاری تشکیل می‌دهددر تمامی شاخص‌های گسترش و پایداری، عملکرد مطلوبی داشته‌اند. (متوسلی و آقابابایی، 1387: 7) تکیه بر پس

انداز هم برای پاسخ‌گویی و هم برای پایداری و خود گردانی موسسات مالی خرد ضروری است.

تجربه دخالتهای مستقیم دولت ها در این موضوع که عمدتا به صورت اعتبارات یارانه ایی با نرخ بهره ترجیهی توسط موسسات و بانک های دولتی صورت می گرفت، نشان داد این اعتبارات یا نصیب گروه های غیر هدف و با نفوذ می شود و یا به علت مکانیسم ناصحیح اعطای اعتبارات نرخ سود وام ها بسیار بالا بوده و بدتر از همه این نرخ پایین بهره و نرخ سوخت بالا منجر به تداوم وابستگی به منافع دولتی و حامیان مال شده است. لذا با توجه به این ناکامی ها تا کید حامیان مالیه خرد بر ارایه نقشی بسترساز و تنظیم کننده و حیطه مناسب در زمینه سیاست های نرخ بهره، مقررات و نظارت مناسب، ثبات اقتصاد کلان،ارایه زیر ساخت های مناسب اطلاعاتی، آموزش نیروی انسانی، مشاوره و کمک های فنی توسط دولت بوده است. یکی از راهکارهای ارایه غیرمستقیم چنین خدماتی ایجاد سازمان هایی در یک لایه بالاتر از موسسات مالیه خرد است که به آن ها سازمان های راس[1] می گویند. واسطه گری مالی و نهادسازی مهمترین نقش های این نوع سازمان ها است. لوی در مقاله خود با بررسی تعداد زیادی از این موسسات نقاط قوت و ضعف این سازمان ها را برمی شمارد او تاکید می کند این نوع سازمان ها زمانی می توانند موفق باشند که تعداد زیادی موسسه مالیه خرد رقیب وجود داشته باشند. همچنین دخالت های سیاسی دولت در ساختار آن ها و کاهش انگیزه جذب پس انداز توسط موسسات مالیه خرد (درصورتی که موسسات مالیه خرد به منافع سهل الوصول سازمان های راس دسترسی داشته باشند) از جمله نقاط ضعف این سازمان ها به حساب آمده است. این سازمان ها می توانند با ایفای نقش هماهنگ کننده، بستری برای کاهش هزینه هایی که موسسات تامین مالی خرد با آن روبرو هستند، فراهم کنند. (متوسلی و آقابابایی، 1387: 14)

لازم به ذکر است علت اصلی ریسک عدم پرداخت (نکول) در موضوع تامین مالی بر اساس مخاطرات اخلاقی و انتخاب های بد است. نظام مالی متعارف برای مقابله با این موارد از سیستم تعیین اعتبار و وثیقه سپاری استفاده می نماید که در مورد تامین مالی خرد این دو مبحث قابل کاربرد نیستند. لذا استفاده از روش هایی مانند وام دهی جمعی باعث خواهد شد تا با فعال شدن یک مکانیسم خودکنترلی، موارد مذکور تا حد زیادی مرتفع گردند.

[1] Apex

استفاده از روش های دیگر در تامین مالی خرد عمدتا بـا همـین هـدف صـورت مـی پـذیرد. (آرمندائس، 1398: 15)

6. تامین مالی خرد اسلامی

از مهمترین اصول بنیادی در نظام اقتصادی اسلام، اصل عادلانه بـودن تمـامی روابـط و مناسبات است. لذا شرط لازم هر ایده پردازی آن است که در تمامی روابـط و مناسـبات ایـن اصل رعایت شود. بر مبنای تعریف عدالت، برخـی از معیارهـای ایـن مفهـوم در نظـام بـانکی عبارتند از: برخورداری برابر و رعایت انصاف در استفاده از منابع در بازار پول،سهم بری تمامی ذی نفعان براساس مشارکت در تولید، قرار گرفتن اموال در موضع توام، جلوگیری از اسراف و تبذیر در تخصیص منابع پولی و توجه به تـامین مـالی خـرد اسـلامی (موسـویان و میسـمی، 1393: 33). از دیدگاه اسلامی تامین مالی خرد با مباحث رایج مطـرح شـده نقـاط مشـترک زیادی دارد. اسلام برای به ارمغـان آوردن تسـاوی و صـلح در یـک جامعـه آرمـانی خـود بـر اخلاقیات، معنویات، اجتماع، عواملی از این قبیل تاکید می کند. به اشتراک گذاردن ریسـک، رعایت حقوق و وظایف فردی و رعایت حقوق مالکیت معنوی و احترام به قراردادهـا از اصـول اساسی اسلام در نظام های تامین مالی است. می توان دریافت که حمایت از اقشـار ضـعیف و تاکید بر اهداف توسعه ای و اجتماعی بواسطه تامین مالی، کارآفرینی و مشـارکت در ریسـک تامین مالی این قشر از موضوعات مشترک میان تامین مالی خرد متداول و تامین مـالی خـرد اسلامی است.(احمـدخان و همکـاران، 1391: 9) ازطرفـی وجـوه اخـتلاف متعـددی میـان مباحث مالیه خرد رایج و مالیه خرد اسلامی وجود دارد. مهمترین چالش تامین مالی اسـلامی در مقایسه با روش های رایج بحث بهره است. به همین منظور اسـتفاده از عقـود اسـلامی در تخصیص منابع در قالب عقود مشارکتی و مبادلـه ای و قـرض الحسـنه در دسـتور کـار قـرار گرفته است. استفاده از عقود اسلامی در جذب سپرده ها و بکارگیری سایر منابع مانند وقـف، خمس، زکات، انفال و فیء(با رعایت ضوابط مربوط به هریـک از منـابع نـامبرده) از راه هـای تجهیز منابع سپرده ایی برای ارایه خدمات مالی خرد اسلامی بـه شـمار مـی آیـد. همچنـین نهادهای اسلامی مانند زکات و قرض الحسنه در نظام اقتصاد اسلام وجود دارند که می توانند برای حمایت از گروه های به شدت فقیر مورد استفاده قرار گیرند که نقش مهمـی در تقویـت معیارهای عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی دارد. (عبدالهی و میسمی، 1398: 3)

تمایز میان تسهیلات مصرفی و تولیدی از دیگر وجوه افتراق است. اگر تمرکز موسسات تامین مالی خرد اسلامی بر توانمندسازی اقشار ضعیف از راه تجمیع آن ها و ارایه وام های تولیدی که آن ها را به لحاظ توانمندسازد، باشد، سازگاری بهتری میان اهداف نظام اقتصادی اسلام و تامین خرد اسلامی پدید خواهد آمد. برای این منظور می توان عقود مبادله ای و مشارکتی برای تامین نیازهای تولیدی و از قرض الحسنه برای تامین نیازهای مصرفی استفاده کرد. دراین حالت بخشی از سود فعالیت تجاری و تولیدی عاید تامین کننده مالی شده و مشارکت وی را تقویت می کند.

4 6. اصول تامین مالی خرد اسلامی:

قبل از برشمردن اصول تامین مالی اسلامی، ذکر این نکته ضروری است که روش های تامین مالی اسلامی برمبنای این اعتقاد کلیدی شکل گرفته اند که پول به طور ذاتی یک دارایی نیست و خودش درآمد ایجاد نمی کند. اصولی که به طور خاص در تطبیق هر نوع تامین مالی با شریعت اسلامی به کار برده می شوند به شرح زیر است:

1. وجود ریسک به معنای اینکه استفاده از وجوه در امور بازرگانی و تولیدی همراه با ریسک است.

2. قطعیت مادی بدان معنی که موضوع فعالیتی که تامین مالی می شود باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت های اقتصادی واقعی متصل باشد و لذا اصول اسلامی با سفته بازی در تضاد است.

3. تولید یا خدمتی که مبادله می شود باید برای طرفین آشکار باشد.

4. وجوه به کار برده شده نباید از فعالیت های حرام و گناه و به طورکلی فعالیت هایی از لحاظ اخلاقی یا اجتماعی در شریعت اسلامی ممنوع شده بدست آیند و در تامین مالی اولویت با فعالیت هایی است که از نظر اجتماعی پربارتر هستند.

5. ریسک مالی باید منحصرا به وام دهندگان تعلق بگیرد نه مدیر یا عامل که با سرمایه کار می کنند علاوه براین مبادله مالی نباید به استثمار هر طرف در مبادله منتهی گردد.

6. بهره حرام است اما نرخ بازگشت سرمایه ای که در مراحل تولید قرار گرفته است و درمعرض ریسک می باشد، قابل مطالبه است.

7. فروختن آنچه که کسی مالک آن نیست اجازه داده نشده لذا فروش استقراضی[1] مجاز نیست. (منظور آن است که دارایی را که در اختیار نداریم، بفروشیم و باید برای تحویل آن دارایی به خریدار، آن را عاریت بگیریم.حاصل این معامله آن است که باید در تاریخی در آینده دارایی را بخریم و به کسی بدهیم که از وی به عاریت گرفته ایم.) (احمدخان و همکاران، 1391: 18).

هدف عمومی تامین مالی اسلامی توجه به توسعه اقتصاد مطابق با اصول پذیرفته شده است.

5 6. ابزارهای تامین مالی اسلامی

هدف عامی که در تمامی ابزارهای تامین مالی اسلامی مشترک است، بایستی توسعه اقتصاد به اندازه و مطابق اصول اسلامی باشد. همچنین درستکاری و مسؤلیت پذیری اخلاقی در قراردادهای تامین مالی اسلامی جزء عناصر ضروری رفتار اسلامی است. براساس اصول تامین مالی اسلامی و موضوع حرمت ربا و حلال بودن بیع، تنها یک نوع وام به نام قرض الحسنه وجود دارد و سازوکارهای دیگر براساس ترتیبات تامین مالی استوار گردیده اند. باتوجه به ابعاد مختلف عقود مورد استفاده در تامین مالی اسلامی در اینجا صرفا به معرفی مختصری از این عقود اکتفا می گردد.

4 5 6 مرابحه:

یکی از عقودی که مورد قبول اکثر متقاضیان در روش های تامین مالی اسلامی است، مرابحه نام دارد. مرابحه متضمن فروش مجدد کالا بعد از رعایت حاشیه سود معینی[2] به وسیله وام دهنده به وام گیرنده ای است که موافقت می کند کالا را به قیمت پیشنهاد شده خریداری نموده و قیمت را به صورتی که تعیین شده بازپرداخت نماید. شایان ذکر است که مرابحه از لحاظ موضوع و دامنه کاربرد و نیز تنوع در شیوه های پرداخت جامع تر و کامل تر از فروش اقساطی (مصطلح در نظام بانکی ایران) است به طوریکه فروش اقساطی صرفا درمورد کالاهای محدود و معینی (موضوع ماده 2 آیین نامه اجرایی عملیات بانکی بدون ربا

[1] short sell
[2] mark up

درمورد فروش اقساطی) قابل استفاده است درحالی که مرابحه علاوه بر موارد مذکور برای تمامی کالاهای مصرفی و بادوام و حتی خرید خدمات مورد نیاز نیز مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین شیوه بازپرداخت آن نیز به علاوه بر پرداخت اقساطی همانند بیع نسیه دفعی، بیع نسیه و بیع نقدی صورت پذیرد(موسویان، 1398: 12).

5 5 6 مضاربه:

مضاربه درلغت به معنای تجارت با سرمایه دیگری است و در اصطلاح عقدی است که برمبنای آن فردی (مالک) مالی را دراختیار فرد دیگری (عامل) قرار می دهد تا با آن مال تجارت کند و سود حاصله میان آن به نسبت معینی که از قبل توافق شده است تقسیم گردد. براساس دیدگاه مشهور فقهای شیعه عامل باید سرمایه را در کار تجارت و خرید و فروش به کارگیرد و استفاده از آن در موارد دیگر (مثل تولید و زراعت) درست نیست؛ درحالی که دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت آن است که مضاربه عقدی عام است. به همین دلیل در اکثر کشورهای اسلامی برای سپرده های سرمایه گذاری مدت دار اغلب از مضاربه استفاده می کنند(موسویان و میسمی، 1393: 99).

6 5 6 مشارکت:

شرکت در لغت عبارت است از مخلوط شدن دویا چند مال به گونه‌ای که هر کدام از صاحبان مال به طور مستقل بر کل مال مخلوط شده تسلط نداشته باشند و در اصطلاح به معنای قراردادی است که بین دو یا چند نفر برقرار می‌گردد که طبق آن با مال مشترک بین آن ها فعالیتی انجام پذیرد و ثمره آن به تقسیم سود و زیان به دست آمده بین شرکا به تناسب سرمایه خواهد بود. قبول و ایجاب و برقراری شرایط عمومی معاملات برای طرفین از دیگر شرایط این نوع قرارداد است همچنین سرمایه موضوع قرارداد می‌بایست معلوم و معین باشد. بنا بر دیدگاه مشهور فقها عقد شرکت، عقدی جایز است که البته می‌توان برای آن زمان مشخصی را قرار داد به این معنا که شرکت تا آن زمان برقرار بوده و پس از آن منحل گردد. اگر در قرارداد شرکت راجع به تقسیم سود و زیان توافق خاصی انجام نشده باشد، ثمره فعالیت به نسبت مال هر یک از شرکا تقسیم می‌شود. همچنین اگر تضمین ضرر

احتمالی توسط یک یا چند نفر از شرکا به صورت شرط ضمن عقد لحاظ شده باشد، مانعی ندارد.[1] (موسویان و میسمی، 1393: 97)

6-5-7 اجاره:

از جمله عقودی که قرآن کریم به صراحت در آیات 32 سوره قصص و 28 سوره زخرف به آن اشاره نموده عقد اجاره است. اجاره در لغت به معنای مزد و پاداش و در اصطلاح عقدی است که به موجب آن مستاجر در برابر مال معین برای یک مدت مشخص مالک منفعت عین مال الاجاره یا عمل اجیر می‌شود. همانند مشارکت این عقد نیز نیازمند قبول و ایجاب است و طرفین عقد باید شرایط عمومی معمالات را دارا باشند. البته بر اساس نظر فقها اجاره معاطاتی نیز صحیح است. مال الاجاره باید عین معین و معلوم باشدتا موجر (اجاره دهنده) بتواند آن را تحویل مستاجر (اجاره گیرنده) دهد و در مقابل مستاجر بتواند از آن بهره برداری نماید. اجاره از عقود تملیکی است و بر اثر آن منفعت به ملکیت مستاجر و اجراه بها به ملکیت موجر در می‌آید. علاوه بر آن این عقد در زمره عقود لازم طبقه‌بندی می‌شود و تا زمانی که مدت آن پایان نیافته است طرفین جز با رضایت یکدیگر یا بروز یکی از عوامل فسخ اجاره حق فسخ آن را ندارند. عقد اجاره بر اساس ملاک‌های مختلف طبقه بندی می‌شود به عنوان مثال بر اساس مال الاجاره (مستاجره) اجاره می‌تواند به اجاره اموال یا اجاره عمل نیروی کار طبقه بندی شود یا بسته به نوع مالکیت مال الاجاره در پایان قرارداد می‌تواند به اجاره عادی یا اجاره به شرط تملیک طبقه‌بندی شود. (موسویان و میسمی، 1393: 92)

6-5-8- قرض الحسنه:

واژه قرض در لغت به معنای قطع کردن و بریدن و در اصطلاح قراردادی است که طی آن فردی مالی را ملک دیگری می‌نماید به شرط آنکه دریافت کننده مال متعهد (مشغول الذمه) و ضامن باشد که خود آن مال (مثل) یا قیمت آن زا بازگرداند. این قرارداد از نوع

[1] در نظام بانکي ايران قراردادهاي مرتبط با تسهيلات مشاركتي با ذكر شرط ضمن عقد كه "عقد صلح خارج لازم" ناميده مي‌شود از عقود جايز به عقود لازم تبديل مي‌شود.

قراردادهای لازم و تملیکی محسوب می‌گردد. با توجه به آیات و روایات تحریم ربا در اسلام[1] هر گاه در عقد قرض زیاده‌ای به نفع قرض دهنده در قرارداد مشروط و غیر اختیاری باشد، آن معمله ربوی خواهد بود. (موسویان و میسمی، 1393: 85) بنابراین تنها عقد قرض که از نظر شریعت اسلامی مورد قبول خواهد بود قرض الحسنه است. در اغلب کشورهای اسلامی با توجه به هزینه‌هایی که نهادهای پرداخت قرض الحسنه متحمل می‌شوند مقداری کارمزد از وام گیرندگان دریافت می‌شود. با توجه به اینکه ارقام مذکور به عنوان هزینه تسهیلات قرض الحسنه بوده و عملا منفعت اضافه‌ای به حساب نمی‌آید، اغلب فقها آن را مشمول حکم ربا نمی‌دانند.

انواع دیگر روش‌های تامین مالی نیز وجود دارد که در جاهای مختلف به‌کار گرفته می شود. از جمله این عقود مزارعه، مساقات و بیع سلف است که در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و عقودی مانند استصناع و بیع دین هم عمدتا در فعالیت‌های تولیدی صنعتی و تجاری به کار گرفته می‌شوند. همچنین عقد جعاله که با کاربردهای متنوع در شبکه های تامین مالی اسلامی به کار برده می‌شود که توضیح ویژگی‌های این ابزارها از موضوع این بحث خارج است.

7. تامین مالی خرد در ایران

در ایران به نظام تامین مالی خرد به صورت مستقل پرداخته نشده است و بانک‌ها و برخی موسسات اعتباری به سپرده گذاران خرد و کلان در کنار یکدیگر خدمات ارایه می‌نمایند. با توجه به اینکه ماهیت فعالیت بانک انتفاعی است، سهمی از منابع که به تامین مالی خرد اختصاص می‌یابد، معمولا اندک است. همچنین ریسک عدم پرداخت (نکول) در تسهیلات خرد با توجه به اینکه اغلب دریافت کنندگان این تسهیلات جز دهک‌های پایین درآمدی هستند، بیشتر خواهد بود. لذا نظام بانکی تمایلی به پرداخت وجوه در قالب تامین مالی خرد ندارد. به عنوان مثال حتی منابع قرض الحسنه‌ای را که از طریق تبلیغات و جوایز سپرده قرض الحسنه جذب کرده است را هم در سایر عقود به مصرف می‌رساند. به همین دلیل در بند الف ماده 86 قانون برنامه پنجم توسعه شبکه بانکی موظف به ایجاد سازوکاری

[1] آیات 275 تا 278 سوره بقره و روایاتی همچون "کل قرض جر نفعا فهو ربا" از پیامبر اکرم (ص)

شد که منابع تجهیز شده از سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی صرفا برای اعطای تسهیلات قرض الحسنه مصرف شود. علی رغم این تاکیدات بر اساس آخرین آمار سهم قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی در سال 1398 برابر 5.2 درصد بوده در حالی که سهم سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز از مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی 9.7 درصد بوده است. ذکر این نکته ضروری است که کمترین میزان نرخ سپرده قانونی در سال‌های اخیر مربوط به سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز بوده است. البته کاهش سهم سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز عوامل متعددی دارد که می‌توان به افزایش تورم و به تبع آن افزایش نرخ سود سپرده‌های مدت دار اشاره کرد.

از سوی دیگر بخش عمده نهادهای تامین مالی خرد خارج از شبکه بانکی در قالب صندوق های قرض الحسنه به فعالیت پرداخته‌اند. این صندوق ها در سال 1348 و بر اساس قانون تجارت تحت عنوان موسسات تجاری غیرانتفاعی شروع به فعالیت نموده و از سال 1351 و با تصویب قانون پولی و بانکی کشور موظف به انجام فعالیت تحت نظارت بانک مرکزی شدند. بررسی سیر مراحل قانونی ثبت و فعالیت صندوق های قرض الحسنه حاوی نکاتی است که در بخش پایانی به اشاره خواهد شد.

4-7. قوانین حاکم بر صدور مجوز صندوق های قرض الحسنه

با پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن گروهی پیاده سازی ایده بانکداری بدون ربا را در احیای امر قرض الحسنه می دانستند. فعالیت سازمان اقتصاد اسلامی در سال 1358 با هدف ترویج و توسعه سنت صندوق قرض الحسنه آغاز گردید. در سال 1359 این سازمان خود را به عنوان هماهنگ کننده صندوق های قرض الحسنه سراسر کشور معرفی نمود و صندوق هایی که زیر چتر حمایتی این سازمان درآمدند موظف شدند امور مالی و مراودات پولی خود را نزد این سازمان متمرکز کنند. هیات دولت در پایان سال 1363 بانک مرکزی را موظف به نظارت بر صندوق های قرض الحسنه در کنار وزارت کشور نمود. هرچند همچنان شهربانی مرجع صدور مجوز بود. بر این اساس شورای پول و اعتبار در سال 1367 مقررات و ضوابط کلی مربوط به فعالیت صندوق های قرض الحسنه را با رویکردی سخت گیرانه و محدود کننده به تصویب رساند. این درحالی است که در کمتر از دو سال شورای مذکور در یک اصلاحیه، بسیاری از محدودیت ها را برداشته و حتی دریافت مجوز از بانک مرکزی در

فرآیند تاسیس صندوق قرض الحسنه نیز حذف شد و بانک مرکزی تنها به عنوان مقام ناظر باقی ماند و در واقع این امر مقدمات حذف کامل بانک مرکزی از نظام صندوق های قرض الحسنه را فراهم آورد بدین ترتیب در آبان 1378 نظارت بانک مرکزی از صندوق ها لغو و نیروی انتظامی مسئول صدور مجوز گردید.

در ماده 92 قانون برنامه سوم مصوب سال 1379 بانک مرکزی موظف شد جهت افزایش شرایط رقابتی بانکها و گسترش بازارهای مالی و تشویق پس انداز داخلی زمینه فعالیت مجاز انواع موسسات سازمانها و واحدهای اعتباری غیر بانکی (غیردولتی) را فراهم آورد و نظارت لازم را بر آنها اعمال نماید این در حالی است طی این 8 سال تعداد بسیار محدودی مجوز برای موسسات اعتباری غیربانکی صادر شده است.

در بهمن سال 1381 با تصویب آئین نامه اجرائی تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی بار دیگر بانک مرکزی موظف به نظارت تخصصی بر موسسات اعتباری غیردولتی شد اما در پایان همان سال رئیس کل وقت بانک مرکزی در نامه ای به وزیر اقتصاد، صندوق های قرض الحسنه را از شمول موسسات غیرتجاری خارج دانسته و مسئولیت نظارت بر صندوق های قرض الحسنه را تا زمان تصویب و ابلاغ قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی و دادن اختیارات کامل به بانک مرکزی نمی‌پذیرد.

در پی بحران صندوق های قرض الحسنه در سالهای 82 و 83 هیات دولت در تصویب نامه‌ای در فروردین سال 1383 اداره ثبت شرکتها را از ثبت صندوق های قرض الحسنه و تعاونی های اعتبار جدید بدون مجوز بانک مرکزی منع می‌نماید. شورای پول و اعتبار نیز در مصوبه تیرماه خود در همان سال مقررات مربوط به صدور مجوز و نحوه فعالیت صندوق های قرض الحسنه را پیش از تصویب و ابلاغ قانون بازار غیرمتشکل پولی به تصویب می‌رساند.

با تصویب قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی در دی سال 1383 توسط مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی به عنوان تنها نهاد ناظر پولی موظف به نظارت و ساماندهی کلیه موسسات اعتباری فعال در بازار غیر متشکل پولی می شود.

پس از اعلام و ابلاغ بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی در سال 1387، مقررات و ضوابط مربوط به فعالیتهای صندوق های قرض الحسنه نیز اعلام گردید؛ بدین ترتیب موسساتی که صرفا به دریافت و پرداخت قرض‌الحسنه اقدام می نمایند به شرط اینکه فعالیت آنها منجر به خلق پول نشده و وام جدولی نیز پرداخت نکنند، از تودیع سپرده قانونی

معاف شدند. در سال 88 نیز در بسته سیاستی نظارتی به کلیه موسسات مالی و اعتباری و از جمله صندوق های قرض الحسنه یک فرصت 8 ماهه داده شده تا نسبت به کسب مجوز از بانک مرکزی اقدام نمایند.

شورای پول و اعتبار پس از پنج سال از تصویب قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی سرانجام در مرداد سال 1388 حسب الزام قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی اقدام به تصویب دستور العمل تاسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق های قرض‌الحسنه نمود. در این دستور العمل حداقل سرمایه لازم برای تاسیس صندوق قرض الحسنه 588 میلیون ریال و حداقل مدرک تحصیلی مدیرعامل لیسانس مرتبط ذکر شده است و صندوق ها موظف به تودیع 18 درصدی سپرده قانونی شدند. تبصره 1 ماده 96 قانون برنامه پنجم توسعه یک بار دیگر به عنوان حکم قانونی بر اخذ مجوز فعالیت کلیه موسسات اعتباری از جمله صندوق های قرض الحسنه از بانک مرکزی تاکید می کند. بانک مرکزی ضمن تفاهمنامه ای در آبان ماه 88 که با سازمان اقتصاد اسلامی داشت صندوق های قرض الحسنه تحت پوشش این سازمان(حدود 1188صندوق قرض الحسنه) را از برخی الزامات دستور العمل مانند از اخذ مجوز از بانک مرکزی و به تبع آن حداقل سرمایه، مدرک تحصیلی مدیرعامل و همچنین تودیع سپرده قانونی معاف نمود.

در آبان سال 1391 شورای پول و اعتبار در مصوبه‌ای، صندوق های تک شعبه ای که صرفا به عملیات قرض‌الحسنه مبادرت می ورزند را از اخذ مجوز فعالیت از بانک مرکزی معاف نمود. ثمره مصوبه مذکور این می شود که صندوق های چند شعبه ای موظف شدند از ابتدای سال 92 نسبت به تعطیلی شعب خود اقدام و یا در یک بانک قرض الحسنه تجمیع شوند و یا صرفا در به صورت تک شعبه ای فعالیت نمایند تا از اخذ مجوز از بانک مرکزی بی نیاز گردند. البته این مصوبه در مهرماه 1393 ملغی شد و شورای پول و اعتبار مقرر نمود متقاضیان تاسیس و فعالیت صندوق های قرض‌الحسنه می‌بایست نسبت به اخذ مجوز از بانک مرکزی اقدام نمایند.

8. جمع بندی و نتیجه‌گیری

سهولت فرآیند، اعتماد متقابل و دسترسی سریع در مقابل بروکراسی اداری و فرآیندهای پیچیده و پر هزینه نظام بانکی در کشور باعث تمایل دریافت کنندگان این

تسهیلات به بخش غیر رسمی (علی‌رغم مشکلات و بحران‌های متعدد در سال‌های اخیر) شده است. از طرفی با شناخت با توجه به شناخت بیشتر صندوق های قرض الحسنه در مورد شبکه تحت پوشش خود (خصوصا در صندوق های صنفی و محلی) اعتماد متقابل میان تسهیلات گیرندگان و صندوق باعث می‌شود ضمن پوشش ریسک های ناشی از مخاطرات اخلاقی و انتخاب های بد، نسبت تسهیلات غیرجاری که به عنوان یکی از مهمترین مشکلات نظام بانکی کشور مطرح است، کاهش یابد. لذا استفاده از توان بالقوه شبکه صندوق های قرض الحسنه موجود می‌تواند پوشش خلا تامین مالی خرد در نظام تامین مالی کشور کمک نماید. لیکن بررسی سیر تطورات قانونی قرض الحسنه مبین آن است که از نظر قانونی هنوز جایگاه خاصی برای نهاد صادرکننده مجوز، نظارت و ارزیابی صندوق های قرض الحسنه به عنوان یکی از نهادهای تامین مالی خرد در ایران وجود ندارد. از طرفی با توجه به تمامی اساس نامه‌های جاری، تنها ابزار مورد استفاده در این نهاد قرض الحسنه است؛ در صورتی که در بخش معرفی ابزارهای تامین مالی خرد اسلامی از ابزارهای دیگری نیز می‌توان استفاده کرد. به نظر می‌رسد غیر انتفاعی بودن این نوع موسسات در نظام مالی ایران علت اصلی عدم تنوع ابزارهای مورد استفاده است.

نکته حایز اهمیت دیگر آن است که در اغلب بحران‌های پدید آمده در سالیان اخیر در این موسسات، فقدان نظارت و نبود چارچوب استاندارد برای فعالیت باعث انحراف از اهداف تعیین شده بوده است. البته اساسنامه‌ای که در مرداد 1388 به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است مشکل وجود استاندارد را حل نموده اما پیاده سازی و اجرای آن کماکان از مسایل اصلی ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی است.

مساله دیگر عدم وجود اطلاعات دقیق از حجم فعالیت، تعداد سپرده گذاران، حجم تسهیلات پرداخت شده میانگین تسهیلات پرداخت شده، متوسط تعداد اقساط تسهیلات پرداختی، میزان و نسبت مطالبات غیرجاری و ... است که باعث شده تا زمینه برای هماهنگ کردن این نهاد در سطح کلان وجود نداشته باشد. این امر تا آن جا قابل توجه است که حتی در حال حاضر تعداد قطعی صندوق های قرض الحسنه فعال و غیرفعال در کشور مشخص نیست. بنابر اظهارات مقامات بانک مرکزی تعداد 5888 صندوق در کشور فعال هستند که تقریبا نیمی از آنها فاقد هرنوع مجوز هستند (ایسنا، 1393). این در حالی است یکی از راه‌های کوتاه بهبود تعمیق مالی از طریق ساماندهی به بازار غیرمتشکل پولی است که با

تحقق آن افزایش و کنترل نقدینگی از طریق واسطه‌گری شبکه بانکی و ضریب فزآینده پـولی خواهد بود.

بر اساس تمامی مطالب ارایه می‌توان گفت که وجود یک لایه میانی مـابین نهـاد نـاظر پولی و صندوق های قرض الحسنه می‌تواند مزایای ریادی برای طرفین داشته باشـد. سـازمان واسط (مشابه سازمان‌های راس) با قرار گرفتن میـان نهـاد نـاظر و موسسـات قـرض الحسـنه می‌تواند در هدایت، آموزش، کاهش هزینه‌های جاری، فراهم کردن بسـتر اطلاعـاتی مناسـب، ایجاد وحدت رویه در اداره چنین موسسـاتی و ایجـاد فضـای تبـادل نظـر میـان بخـش‌هـای سیاست گذار و مجری نقش موثری ایفا نماید. از طرفی بانک مرکـزی بـه منظـور نظـارت بـر حسن اجاری قوانین و مقررات می‌تواند به جای اینکه به تک تک این موسسات مراجعه کنـد، با همکاری سازمان واسط و به صورت غیرمستقیم بر گروه هدف نظـارت نمـوده و بـه منظـور هدایت سیاست پولی از این دسته موسسات نیز استفاده نماید. ضمن آن که بـا اضـافه شـدن این گروه موسسات به نظام تامین مالی کشور می‌توان گامی در تعمیق مالی کشور برداشت.

مراجع

- متوسلی، محمود و آقابابایی، رضا، (1387) ، بررسی ویژگی های الگوی موفق مالیه خرد در جهت تعیین عوامل کلیدی موفق آن، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 83، تابستان 1387.
- عبدالهی، محسن و میسمی، حسین، (1398) ، تأمین مالی خـرد اسـلامی و نقـش آن در تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی کشور، فصـلنامه تـازه هـای اقتصـاد، شـماره 132، تابستان 1398.
- موسویان، سید عباس، (1398) ، امکـان سـنجی کـاربرد مرابحـه در بانکـداری بـدون ربـا، فصلنامه روند پژوهشهای اقتصادی، شماره 59، پاییز 1398.
- آرمندایس، بئاتریس و مـرداک، جاناتـان، (1398)، اقتصـاد تـامین مـالی خـرد، متوسـلی، محمود، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

- مافی، فرزانه، (1387)، اعتبارات خرد (ویژگی ها، تجارب، ملاحظات و راهبردها)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- احمدخان، اعجاز و عبیداله، محمد، خان، طریق الـه،(1391)، تـامین مـالی خـرد اسـلامی، سیدنورانی، محمدرضا، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، سیدعباس و میسمی، حسین، (1393)، بانکداری اسلامی مبانی نظری- تجـارب عملی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی 1398، تهران: بانـک مرکـزی جمهـوری اسـلامی ایران.
- سرویس اقتصادی، بانک و بیمه، (1393)، از 7888 موسسه مالی فعال کدام تحت نظـارت بانک مرکزی‌اند؟، http://isna.ir//
- پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، http://cbi.ir//